



درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: مقدمات
 تاریخ: ۱ آبان ۱۳۹۲
 موضوع جزئی: مقدمه هفتم: فی المراد بالغنیمه (امر پنجم: غنیمت در کلمات مفسرین) مصادف با: ۱۷ ذی الحجه ۱۴۳۴
 سال چهارم
 جلسه: ۲۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در امر پنجم است که درباره غنیمت در کلمات مفسرین منعقد شده؛ گفته شد مفسرین عامه و خاصه در یک مطلب اتفاق دارند و آن اینکه غنیمت لغة عام است و شامل هر فائده و منفعتی می شود که به انسان واصل شود، لکن اختلاف در این است که در آیه شریفه غنیمت به چه معناست و گرنه همه تأکید دارند که در لغت به معنای عام است.

مفسرین خاصه:

خاصه قاطبة قائل هستند به اینکه غنیمت در آیه به معنای مطلق منفعت و فائده است. سه نمونه از عبارات مفسرین را که سابقاً هم اشاره شده ذکر می کنیم و چند عبارت هم از مفسرین عامه بیان خواهیم کرد.

۱- شیخ طوسی در تبیان تصریح می کند به امکان استدلال به آیه شریفه به این عبارت «و یمکن الاستدلال علی ذلک بهذه الآیة لأنّ جمیع ذلک یرسمی غنیمة»^۱.

ایشان به صراحت می فرماید که برای شمول وجوب خمس نسبت به همه موارد که قبل از این عبارت اشاره کرده اند (کنوز، معادن و غوص و ارباح مکاسب و ... می توان به آیه استدلال کرد چون همه اینها غنیمت نامیده می شود. پس امکان استدلال به این آیه وجود دارد چون این آیه یک معنای عامی دارد.

۲- مرحوم طبرسی در مجمع البیان نظیر همین عبارت را فرموده «و یمکن ان یستدل علی ذلک بهذه الآیة فإنّ فی عرف اللغة یطلق علی جمیع ذلک اسم الغنم و الغنیمة»^۲ عبارت ایشان هم در واقع نظیر همان عبارتی است که شیخ طوسی فرمودند.

۳- مرحوم علامه طباطبائی هم در تفسیر المیزان قریب به همین مضامین را بیان فرمودند؛ عبارت ایشان این است: «الغنم و الغنیمة اصابة الفائدة من جهة تجارة أو عمل أو حرب و ینطبق بحسب مورد نزول الآیة علی غنیمة الحرب»^۳.
 ملاحظه فرمودید که در این چند عبارت هم تصریح شده به معنای لغوی غنیمت که در لغت به چه معناست و هم اینکه آیه ظهور در این معنای عام لغوی دارد چون لغت معنای عام دارد در آیه هم چیزی که مانع استفاده عموم باشد وجود ندارد لذا تصریح کرده اند به اینکه به اعتبار عمومیت این آیه می توانیم خمس را در همه این موارد واجب بدانیم.

۱. التبیان، ج ۵، ص ۱۲۳.

۲. مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۵۴.

۳. المیزان، ج ۹، ص ۱۷.

اما مفسرین عامه ضمن اینکه تأکید می‌کنند بر معنای لغوی اما می‌گویند در عرف شرع و در لسان احادیث و روایات و آیات غنم و غنیمت به معنای غنائم جنگی است عبارت‌هایی را به عنوان نمونه بیان می‌کنیم:

۱- طبری در احکام القرآن این گونه می‌گوید: «و اعلم أن الاتفاق حاصلٌ على أن المراد بقوله غنمتم من شيءٍ مال الكفار إذا ظفر به المسلمون على وجه الغلبة و لا تقتضى اللغة هذا التخصيص و لكن عرف الشرع قيّد اللفظ بهذا النوع و سمى الشرع الواصل الينا من الكفار».^۱

بعد در چند صفحه بعد باز تصریح می‌کند «و عرف الشرع دلّ أن الغنيمة اسمٌ للمأخوذ من الكفار بطريق القهر».^۲ در عبارت طبری دو نکته وجود دارد:

یکی اینکه همه اتفاق دارند بر اینکه به هیچ وجه در لغت از غنیمت، اختصاص فهمیده نمی‌شود؛ طبری تصریح می‌کند که «و لا تقتضى اللغة هذا التخصيص» یعنی تخصیص به آنچه که مسلمین با قهر و غلبه در جنگ به دست می‌آورد. و نکته دوم اینکه در شرع غنیمت به غنائم جنگی اختصاص یافته اما آنچه که باعث شده از این معنای عامه لغوی عدول شود و در خصوص غنائم جنگی استعمال شود، به واسطه شرع است یعنی گویا می‌خواهد یک حقیقت شرعیه درست کند یعنی در لسان آیات و روایات غنیمت به این معناست این اصل ادعا است این ادعا تقریباً در بین مفسرین عامه شیوع دارد.

۲- قرطبی در کتاب الجامع لاحکام القرآن تقریباً عین همین عبارت را آورده و می‌گوید در عرف شرع غنیمت به معنای غنائم جنگی است.^۳

در عبارات کثیری از مفسرین عامه هم تصریح به معنای لغت نشده فقط همین معنای مشهور در عرف شرع را در اصطلاح خودشان ذکر کرده‌اند. مانند شافعی،^۴ جصاص،^۵ بیضاوی،^۶ مراغی^۷ و جمع دیگری که عمدتاً در ذیل آیه ۴۱ سوره انفال گفته‌اند: «اسمٌ للمأخوذ من الكفار بطريق القهر و الغلبة» مضمون اکثر اینها این است که غنیمت یعنی آن مالی که به قهر و غلبه از مشرکین در جنگ بدست می‌آید.

البته اختلافاتی در بعضی از جزئیات دارند که مهم نیست مثلاً آیا فقط اموال منقول را شامل می‌شود یا شامل اموال غیر منقول هم می‌شود؟ یا مثلاً در مورد اموال میدان جنگ است یا در غیر آن؟ ولی عمده این است که غنیمت را در ذیل این آیه مشهور مفسرین عامه به مال مأخوذ از مشرکین در جنگ اطلاق کرده‌اند.

۱. احکام القرآن، ج ۳، ص ۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۶۱.

۳. الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۱.

۴. احکام القرآن، ج ۱، ص ۱۵۳.

۵. احکام القرآن، ج ۲، ص ۸۵۵.

۶. انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۳، ص ۶۰.

۷. تفسیر مراغی، ج ۱۰، ص ۵.

عمده دلیل اینها بر این ادعا همان دلیلی است که سابقاً هم اشاره کردیم یعنی به قرینیت سیاق و مورد استناد می‌کنند به اینکه سیاق آیات چنین اقتضائی دارد. پس هیچ کدام منکر معنای لغوی نیستند حتی این چند مفسری که اشاره شد مثل شافعی و بیضاوی و مراغه و جصاص تصریح نکرده‌اند به معنای لغوی ولی ظاهراً معنای لغوی را انکار نکرده‌اند اگر اینها غنیمت را به معنای مالی که در جنگ بدست می‌آید، گرفته‌اند با توجه به آنچه که از طبری نقل کردیم به نظر می‌رسد اینها توجه و التفات به همین معنای شرعی کرده‌اند و هیچ کدام عمومیت معنای غنیمت به حسب لغت را انکار نکرده‌اند ولو تصریح به آن هم نکرده باشند.

در هر صورت مراد آیه به نظر اینها غنائم جنگی است یعنی آیه خمس را در خصوص غنائم جنگی واجب می‌کند ادله دیگری هم دارند؛ ما قرینیت سیاق و مورد را سابقاً رد کردیم و گفتیم که نه سیاق و نه مورد مخصص آیه نیست و قرینیت ندارد. ادله دیگری هم دارند که انشاء برای تکمیل بحث آنها را رسیدگی خواهیم کرد.

فقط یک مطلبی هست و آن اینکه بعضی از عامه با اینکه می‌گویند مراد از غنائم و غنیمت در این آیه غنائم جنگی است، اما در معادن هم خمس را واجب می‌دانند که البته این یک اشکالی به آنها می‌باشد به اینکه اگر منظور از «ما غنمتم» خصوص غنائم جنگی است در مورد معادن به چه ملاکی خمس واجب است؟ یا به چه ملاکی در کنوز خمس واجب است؟ این مسئله را بعداً انشاء الله بررسی خواهیم کرد.

خلاصه مقدمه هفتم:

تا اینجا بحث ما در مورد مقدمه هفتم تمام شد عنوان مقدمه هفتم این بود المراد من الغنیمه که اصلاً غنیمت به چه معناست؛ ما این مطلب را در ضمن پنج امر دنبال کردیم: امر اول معنای غنیمت در لغت، امر دوم غنیمت در قرآن، امر سوم غنیمت در روایات، امر چهارم غنیمت در لسان فقها و امر پنجم غنیمت در نزد مفسرین بود.

مجموع آنچه که ما در این پنج امر ذکر کردیم یک نتیجه‌ای به ما می‌دهد و ما از این نتیجه می‌خواهیم یک استفاده‌ای بکنیم. چنانچه اشاره کردیم ما این مقدمه را برای این نتیجه منعقد کردیم؛ بالاخره این یک مسئله مهمی است که وقتی غنیمت در لغت آن گونه است و در استعمال قرآنی در این آیه یک معنای عامی دارد در لسان روایات هم به معنای مطلق فائده و منفعت می‌باشد حداقل این است که اگر در روایات هم در غیر معنای عام استعمال شده باشد مانند آیات قرآن که در غیر معنای عام هم استعمال شده دیگر ما نمی‌توانیم بگوییم که اختصاص به غنائم جنگی دارد و در هر دو معنی استعمال شده و استعمال هم اعم از حقیقت است چنانچه عبارات فقها و مفسرین را هم دیدید. مجموع اینها در ذیل این آیه ۴۱ سوره انفال ما را به این نتیجه می‌رساند که مقتضی برای ظهور آیه در عموم هست همان نکته‌ای که از اول در یکی از چند دلیلی که برای ظهور آیه در عمومیت گفتیم، اشاره کردیم مقتضی برای عموم وجود دارد لغت همین را می‌گوید و از طرفی هم مانع یا مورد است یا سیاق که هیچ کدام از این دو مانعیت ندارد و در احادیث و روایات هم به معنای عام به کار رفته است پس ما با این آیه می‌توانیم اثبات کنیم وجوب خمس را در مطلق المنافع.

بحث جلسه آینده: اما بحث بعدی که خواهیم داشت این خواهد بود که با توجه به مطالب و مقدماتی که بیان کردیم اینجا می‌توانیم تأسیس اصل کنیم؛ یعنی یک قاعده عامی که در وقت شک بتوان به آن رجوع کرد مثل اطلاقات و عموماتی که در بیع و عقود مانند «احل الله البیع» و «اوفوا بالعقود» داریم و این اصل برای ما مرجعیت داشته باشد.

تذکر اخلاقی: خطبه غدیر و توجه به ولی عصر (عج)

فردا روز عید غدیر است؛ این روز یکی از اعیاد مهم اسلامی و دینی است به ویژه برای پیروان اهل بیت (ع) مسئله‌ی بسیار مهمی است. آداب، اعمال، سنن و ادعیه‌ای در این روز مستحب است و به آنها سفارش شده که انشاءالله به آنها ملتزم خواهیم بود.

اینجا مطلبی که به نظر می‌رسد طرح آن مفید خواهد بود راجع به خطبه غدیر است؛ ببینید اصل حدیث غدیر از متواترات است حدیث «من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه» متواتر بین الفریقین است و علما و کتب بسیاری از عامه و خاصه آن را نقل کرده‌اند و اسناد این روایت و حدیث در کتب عامه و اهل سنت بیش از کتب شیعیان است اما راجع به آنچه که به نام خطبه غدیر مشهور و معروف شده این خطبه را شیخ حر عاملی صاحب وسائل در اثبات الهدی آورده است^۱ مرحوم علامه مجلسی هم در بحار الانوار آن را آورده^۲ و در مورد اصل خطبه و اسناد آن سخن گفته است. محدث بحرانی هم در کتاب کشف المهم این خطبه را نقل کرده است.^۳ سید بن طاووس هم در کتاب اقبال این خطبه را آورده است.^۴

از نظر سندی این خطبه از سه طریق نقل شده یکی از طریق امام باقر علیه السلام که از طریق امام سجاد (ع) و از امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که در آن واقعه شاهد و ناظر بوده‌اند نقل می‌کند و دو طریق هم از دو تن از صحابی معروف پیامبر (ص) به نام‌های حذیفه بن یمان و زید بن ارقم.

روایت امام باقر (ع) در برخی از کتب از جمله احتجاج طبرسی ذکر شده است.^۵ همین طریق را مرحوم علامه مجلسی هم در بحار الانوار هم آورده و سید بن طاووس هم در کتاب الیقین همین طریق را نقل کرده است.^۶ اما روایت زید بن ارقم در بعضی از کتب آمده از جمله العدد القویة تألیف شیخ علی بن یوسف حلّی^۷ و کتاب التحصین سید بن طاووس^۸ روایت حذیفه هم در کتاب اقبال سید بن طاووس^۹ نقل شده است.

ما از این خطبه در جوامع روایی اصلی اثری نمی‌بینیم؛ سخن در خود این خطبه است مضامین این خطبه مضامین کاملاً درستی است برخی از طریق مستند مضامین و اجزاء خطبه خواسته‌اند ثابت کنند این خطبه از خود پیامبر (ص) است

۱. شیخ حر عاملی، اثبات الهدی، ج ۲، ص ۱۱۴ و ج ۳، ص ۵۵۸.

۲. مجلسی دوم، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۱-۲۱۷.

۳. محدث بحرانی، کشف المهم، ص ۱۹۰.

۴. سید بن طاووس، الاقبال، ص ۴۵۴-۴۵۶.

۵. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۶.

۶. سید بن طاووس، الیقین، ص ۳۴۳، باب ۱۲۷.

۷. شیخ علی بن یوسف حلّی، العدد القویة، ص ۱۶۹.

۸. سید بن طاووس، التحصین، ص ۵۷۸، باب ۲۹ از قسم ثانی.

۹. سید بن طاووس، الاقبال، ص ۴۵۴-۴۵۶؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۲۷ و ۱۳۱.

حدود صد جمله از این خطبه استخراج کرده و برای هر کدام از فرازهای آن از قرآن و روایات استناد آورده‌اند و این یعنی مضامین و اجزاء این خطبه قطعاً صحیح است به صورت جداگانه هر کدام یک مستند روایی یا قرآنی دارد. اما به عنوان این مجموع و این خطبه غدیر غیر از این مواردی که بیان شد در جوامع روایی قبل از این بزرگان اثری نیست حتی مرحوم علامه امینی در الغدیر این را ذکر نکرده است. ولی جدای از این بحث سندی آن که جای بحث دارد فرازها و مضامین این خطبه ولو به صورت مجموعی از پیامبر صادر نشده ولی فرازهای آن صحیح و قابل اعتنا و اتکا است.

یکی از اموری که در خطبه غدیر بیان شده توجه به وجود مبارک حضرت حجت (عج الله تعالی فرجه) است یعنی اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز و واقعه غدیر راجع به وجود مقدس حضرت (عج الله فرجه) مطالبی را بیان می‌کنند و این نشان از اهمیت مسئله مهدویت است یعنی پیوندی که غدیر با مهدویت دارد یا به تعبیر دیگر آغاز امامت و خاتم ولایت؛ اتفاقاً به خاتمیت ولایت و امامت حضرت حجت (عج الله فرجه) در این خطبه اشاره می‌کنند. بیست و پنج فراز از فرازهای خطبه غدیر درباره وجود مقدس حضرت حجت است اینکه پیشینیان همه گواهی داده‌اند که او خواهد آمد و اینکه او چه کسی است و اینکه او چه مرتبه و جایگاهی دارد و اینکه او قیام خواهد کرد و اینکه او انتقام خواهد گرفت (انتقام نه فقط از غاصبین حقوق اهل بیت (ع) بلکه انتقام از همه ظالمین عالم و دفاع از هر مظلومی که مورد ظلم واقع شده است). اینها نکاتی است در مورد این خطبه که می‌توان در آنها دقت و تأمل و مطالعه کرد و آن را مورد استفاده قرار داد.

در هر صورت این مسئله مهم است که در غدیر توجه به پیوند حادثه غدیر و امامت امیر المؤمنین (ع) و وجود مقدس ولی عصر (ع) و شخص آن حضرت داشته باشیم و برای ظهور و فرج آن حضرت دعا کنیم و انتظارات را تقویت کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»